

## دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، اراده خدا در عهد عتیق، بخش ۱، جلسه ۴

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

به درس‌های ما در مورد الهیات کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا خوش آمدید. در این درس، ما در مورد عهد عتیق صحبت خواهیم کرد. این درس چهارم الهیات است. درس چهارم الهیات. شما باید اسلایدهای خود را آماده کنید، و همچنین یادداشت‌هایی برای این درس خاص وجود دارد، بنابراین می‌توانید آنها را در دسترس داشته باشید.

این کار باعث میشه از طرف شما خیلی لذت بخش تر بشه. فقط میخوام چند نکته رو ذکر کنم. اول اینکه، یه نفر بهم گفت که حروف بزرگ تو بعضی موقعیت‌ها داد زدن سر کسی حساب میشه.

فکر می‌کنم متوجه شده باشید که من از حروف بزرگ استفاده می‌کنم تا اسلایدها را بهتر و واضح‌تر ببینید. گاهی اوقات، از آنها برای تأکید استفاده می‌کنم، بنابراین فقط در کنار آن اشاره می‌کنم تا اگر کسی به آن توجه کرده است، متوجه شده باشید. خوب، تا اینجا، ما یک آشنایی داشتیم.

ما در مورد مروری بر مدل من صحبت کردیم. در مورد نسخه‌های کتاب مقدس صحبت کردیم. در مورد سه روشی که کتاب مقدس به ما می‌آموزد صحبت کردیم.

ما در مورد الگوهای چگونگی برخورد کلیسا در طول تاریخ با این سوال صحبت کرده‌ایم. اکنون، قرار است امروز در مورد عهد عتیق و در سخنرانی بعدی در مورد عهد جدید صحبت کنیم. اینها از بسیاری جهات سرگرم‌کننده‌ترین سخنرانی‌ها هستند، زیرا ما شاهد پیشرفت در متن این سوال در مورد شناخت اراده خدا هستیم.

و این چیزی است که در نهایت واقعاً حیاتی است. پس، اگر مایلید، کمربند ایمنی خود را ببندید و آماده حرکت می‌شویم. بسیار خوب، اول از همه، جنبه‌هایی از عهد عتیق را ارزیابی می‌کنیم.

دسته بندی‌های خاصی وجود دارد که ما به آنها خواهیم پرداخت. ما در اینجا شش مورد از آنها را داریم، که در واقع پنج مورد در نتیجه گیری است. ما قصد داریم در مورد الگوهای عهد عتیق برای شناخت اراده خدا و نحوه ارائه آن صحبت کنیم.

ما قصد داریم در مورد اصطلاحات عهد عتیق که برای اراده خدا استفاده می‌شود صحبت کنیم. ما شاهد تضاد بین عهد عتیق و جدید خواهیم بود، نه از نظر معنا، بلکه فقط از نظر ساختارهای زبانی. ما کمی در مورد زندگی دانیال صحبت خواهیم کرد و از آن به عنوان نمونه‌ای از انجام اراده خدا استفاده خواهیم کرد.

ما در مورد برخی از نمونه‌های سوءاستفاده که بارها در کلیساها رخ داده است صحبت خواهیم کرد. من آنها را در اوایل زندگی مسیحی‌ام زیاد شنیده‌ام. اینها نمونه‌هایی از سوءاستفاده‌ای هستند که من آن را اخلاقی کردن کتاب مقدس به جای درک کتاب مقدس می‌نامم.

سپس، درباره حکمت صحبت خواهیم کرد. حکمت عامل کلیدی در اراده خداست، و سعی خواهیم کرد معنای آن را روشن کنیم، و سپس همه چیز را در ادامه کنار هم قرار خواهیم داد. اول از همه، الگوهای عهد عتیق برای شناخت اراده خدا.

بدیهی است که وحی مستقیم بخش عمده‌ای از این الگوها است. در جزوه تکمیلی که به شما دادم، که اطلاعات زیادی دارد اما زیاد به آن اشاره نمی‌کنم، چیزی داریم که به عنوان دوره پیش از موسی شناخته می‌شود. اگر به صفحه اول آن جزوه نگاه کنید، می‌بینید که ما در اینجا مواردی را فهرست کرده‌ایم که از نظر وحی قبل از زمان موسی اتفاق می‌افتادند، که ما به او اعتبار می‌دهیم که اولین کسی بود که کتاب مقدس را تدوین کرد.

کتاب ایوب کمی عجیب است. ما واقعاً در مورد تاریخ آن مطمئن نیستیم، اما با این وجود، آدم و حوا را داریم. خدا چگونه با آدم و حوا ارتباط برقرار کرد؟ خب، او این کار را در باغ عدن انجام داد.

او این کار را شفاهی با آنها انجام داد. او به آنها شرط و شروطی داد. شرط اصلی، همانطور که خودتان خوب می‌دانید، این است که از میوه این درخت نخورید زیرا این درخت دانش است، و اگر آن را بخورید، به این معنی است که فکر می‌کنید می‌خواهید مثل من باشید.

و شما داستان آدم و حوا را در باغ عدن در پاییز می‌دانید. سپس داستان نوح را در روایت کتاب مقدس داریم که از نظر سیل بسیار طولانی می‌شود، و سپس مدتی بعد از همه اینها، ابراهیم را داریم که از خاور نزدیک باستان از سمت بابل، اور کلدانی‌ها، همانطور که آنها می‌نامند، می‌آید، احتمالاً در قسمت شمالی آن منطقه. که رودخانه‌های دجله و فرات بودند. او به دعوت خدا به سرزمین کنعان می‌آید.

یک چیز شگفت‌انگیز. ابراهیم نمی‌توانست کتاب مقدس را بردارد یا بخواند. او مجبور بود مستقیماً از دیدگاه صحبت مستقیم خدا با او پیش برود، و این اتفاق هر روز نمی‌افتاد.

گاهی اوقات، بین کلام خدا با ابراهیم دهه‌ها فاصله وجود داشته است، و ما روایت ابراهیمی را بررسی می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه بین آنها فاصله می‌افتد. و سپس لوط را داریم. لوط شخصیت جذابی است که ما با کمی جزئیات به آن خواهیم پرداخت زیرا او جنبه منفی انجام اراده خدا را نشان می‌دهد.

ملکیصدق در آن دوره شخصیت جالبی بود که خدای حقیقی را می‌شناخت، اما ما اطلاعات زیادی در مورد او نداریم. مردم سعی کردند انواع کارها را با ملکیصدق انجام دهند، اما واقعیت این است که او به عنوان یک پادشاه و کسی که از خدای حقیقی پیروی می‌کند، وارد صحنه می‌شود، و با این حال ما هیچ اطلاعاتی در مورد این موضوع نداریم. بلعام نیز نوعی راز است.

او از شمال می‌آید، تقریباً همان جایی که ابراهیم از آنجا آمده بود، و به نظر می‌رسد اطلاعات زیادی دارد. و با این حال، اول از همه، ما هنوز کتاب مقدس ثبت شده‌ای نداریم، بنابراین او از سنت شفاهی و هر تجربه‌ای که اتفاق افتاده بود، استفاده می‌کرد. چیزی در دنیای باستان در ارتباط با خدا وجود داشته که ما هیچ اطلاعاتی در مورد آن نداریم.

اما آن دوره، دوره وحی مستقیم بود، خداوند با افراد برگزیده صحبت می‌کرد، نه فقط با هر کسی. این کلام خداوند بنا به درخواست نبود، بلکه او بود که تاریخ را تنظیم می‌کرد و این اتفاق در یک دوره زمانی طولانی رخ داد. ما زمان دقیق آدم و حوا و نوح را نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که ابراهیم حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، قبل از عصر حاضر یا قبل از مسیح، زندگی می‌کرد و بنابراین شکاف‌های زمانی زیادی در اینجا داریم.

بسیار خوب، بنابراین ما یک وحی مستقیم داریم، به خصوص در آن دوره پیش از موسی، اما همانطور که قبلاً اشاره کردم، به طرق مختلف ادامه می‌یابد. بسیار خوب، ما وحی مستقیم داریم به معنای مدون شده در آنچه که ما آن را کتاب مقدس می‌نامیم، و موسی شخصیت اصلی ارائه شده در این زمینه است. ما می‌دانیم که موسی اسفار پنجگانه، پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه را نوشت.

او پایان تثنیه را ننوشته است؛ احتمالاً این کار توسط یوشع انجام شده است، زیرا موسی در حال رفتن بود. و ما پیامبران را داریم، و البته، در کتاب مقدس، و به ویژه کتاب مقدس عبری، که به آن شریعت می‌گویند، پنج کتاب اول کتاب مقدس، و پیامبران. بنابراین، خدا از طریق افراد منتخب، نه فقط هر کسی، آشکار می‌کند.

به عبارت دیگر، شما نمی‌توانستید به بیابان بروید و دعا کنید، و خدا چیزی به شما می‌گفت. این هرگز و در هیچ زمانی به عنوان مثالی از نحوه عملکرد امور در کتاب مقدس ارائه نشده است. او از طریق افراد برگزیده‌ای که بخش عمده‌ای از تاریخ رستگاری در حال توسعه بودند، ارتباط برقرار می‌کرد.

بسیار خوب، علاوه بر این، محصول فرعی هم وجود دارد. فرعی به این معنی است که در کنار هم قرار می‌گیرد، به اصطلاح، و ما به آن سپرده ارزش‌ها می‌گوییم. من در مرور کلی اشاره کردم که با گذشت زمان در پیشرفت کار رستگاری خدا، افراد خاصی به نمونه‌های روایی، خوب و بد، تبدیل می‌شوند.

و بقیه جامعه مؤمن، از طریق معلمان خود، در مورد آنها یاد می‌گرفتند، و ارزش‌ها توسعه می‌یافتند جهان‌بینی توسعه می‌یافت، که البته ارزش‌ها از آن سرچشمه می‌گیرند. در آن وحی شفاهی و مستقیم مدون، ما سپرده ارزشی داریم. ما در مورد روایت لوط صحبت می‌کنیم، و ادبیات حکمت بخش بزرگی از آن توسعه است.

خب، علاوه بر این، الگوهای عهد عتیق برای اراده خدا، وحی مستقیم هستند. ما کمی در مورد داشتن آن یادداشت‌های تکمیلی صحبت کردیم، و می‌توانید به آنها به عنوان لوح‌های خود نگاه کنید. حال، موسی تاریخ رستگاری شفاهی پیش از موسی را تدوین می‌کند.

به ما گفته نشده که او چگونه این همه اطلاعات را به دست آورده است. این اطلاعات باید از طریق شفاهی، به ما رسیده باشد. برخی از آنها ممکن است وحی مستقیم به موسی بوده باشند، اما ما به جز ده فرمان روایت دیگری از آن نداریم.

وقتی موسی این موارد را نوشت، و سپس در کتاب تثنیه، تثنیه به معنای قانون دوم است. تثنیه یک کلمه یونانی است. آنها در واقع نام تثنیه را از ترجمه هفتادگانی گرفته‌اند و این همان قانون دوم است.

و موسی شریعت و وحی‌ای را که در کتاب تثنیه درباره خدا دریافت کرده بود، موعظه می‌کند. بررسی متون اصلی که او تدوین کرده و چگونگی تکرار و بسط آنها توسط او، مطالعه‌ای جذاب است. و این به ما الگویی برای چگونگی برداشت از کتاب مقدس و دریافت مفاهیم آن می‌دهد.

موسی چند نمونه از آن فرآیند را برای ما ارائه می‌دهد. بنابراین، او این مطالب را مدون می‌کند. این مطالب مربوط به قبل از ابراهیم است.

این مطالب مربوط به ابراهیم است. او البته ملک‌یصدق و بلعام، پدران قوم را دارد. کل داستان پدران قوم در اینجا توسط موسی ثبت شده است. و بنابراین می‌بینیم که از انواع منابع، اما در درجه اول سنت شفاهی، اطلاعات دریافت می‌کنیم.

و در دنیای باستان، شفاهی بودن عامل بسیار پایداری در انتقال اطلاعات بود. امروزه دیگر کار نمی‌کند. همه ما آن بازی‌هایی را انجام داده‌ایم که در آن چیزی را به کسی می‌گویید، او به نفر بعدی می‌گوید، و می‌بینیم وقتی به انتهای صف ۱۰ یا ۱۵ نفره می‌رسید، چه چیزی به دست می‌آورد.

و این نشان دهنده آنچه به شخص اول گفته شده نیست. آن دنیای باستان نیست. دنیای باستان از نظر انتقال آن در دوره شفاهی بسیار پایدار بود.

حالا، موسی از راه می‌رسد، سینا در تورات، این کتاب مقدس مکتوب است. من اینجا متن زیادی دارم. ما به برخی از متون نگاه خواهیم کرد، اما قرار نیست در این مورد زیاده‌روی کنیم زیرا اگر این کار را بکنیم، تبدیل به یک تمرین کتاب مقدس می‌شود.

می‌دانید، برخی از این متون در بخش اولیه تثنیه هستند، جایی که موسی درباره شریعت و ابلاغ آن شریعت توسط خدا صحبت می‌کند. یوشع در فصل اول، آیات هفت و هشت، این موضوع را تکرار می‌کند. در درس‌هایمان با هم، وقتی فقط به آیات کتاب مقدس استناد می‌کنم، از شما می‌خواهم که ویدیو را متوقف کنید، آن متون را بخوانید و ببینید که چگونه به نکته‌ای که من مطرح می‌کنم، مربوط می‌شوند.

اگر همه اینها را برای شما بخوانم، علاوه بر اینکه یک تمرین‌کننده کتاب مقدس می‌شویم، می‌توانیم برای همیشه مطالب را درک کنیم. بنابراین، باید از شما بخواهم که مسئولیت این کار را بر عهده بگیرید. من به برخی از متون کلیدی استناد می‌کنم و آنها را می‌خوانم.

همه آنها کلیدی هستند زیرا من فقط یک نمونه به شما می‌دهم. یادداشت‌های تکمیلی واقعی این موضوع را بسیار بیشتر توضیح می‌دهند و این برای آموزش شماست. پس از موسی

خدا خود را به نمایندگان مختلفی آشکار کرد. در این دوران پس از موسی، کاهنانی داریم که به مجرای اطلاعات خدا تبدیل شده‌اند. ما قضاتی داریم.

کاهنان از بسیاری جهات شکست می‌خورند. داوران از راه رسیدند. ما اطلاعات زیادی در این مورد به جز کتاب داوران نداریم.

اما می‌بینیم که چگونه خدا تاریخ‌رستگاری را به پیش می‌برد. و در دوره داوران، او فقط با افراد منتخب خاصی سر و کار دارد. این یک فضای باز برای مخاطبان نیست که بگویند، خدایا، از من چه می‌خواهی؟ آنها هنوز بر اساس ارزش‌های سپرده شده و وحی‌ای که داشتند، عمل می‌کردند.

پیامبران غیر مکتوبی مانند ایلیا و الیشع وجود دارند. پیامبران مکتوبی هم هستند که شما به خوبی می‌شناسید. ما چیزی داریم که آن را پیامبران بزرگ و کوچک می‌نامیم.

این صرفاً به معنای کتاب‌های طولانی‌تر و کتاب‌های کوتاه‌تر است. پیامبران کوچک‌تر به عنوان ۱۲ پیامبر کوچک شناخته می‌شوند. بسیار خوب، و این افراد کلیدی

بنابراین، همانطور که شاهد بسط روایت کتاب مقدس در عهد عتیق هستیم، خداوند اراده خود را از طریق نمایندگانش ابلاغ می‌کند. این امر عمومی نیست. این یک اتاق انتظار عمومی نیست.

این فقط افراد کلیدی هستند که اراده خدا، اطلاعات خدا و آموزه‌های خدا را به جامعه نجات‌یافته منتقل می‌کنند. توجه داشته باشید که الگوهای وحی به صلاح‌دید خدا هستند، نه به درخواست مؤمنان. اکنون دوباره به آن در پایین اسلاید ما نگاه کنید.

الگوهای وحی به صلاح‌دید خداوند است، نه به درخواست مؤمنان. ما باید وقتی به عهد جدید می‌رسیم به این موضوع بپردازیم، زیرا فکر می‌کنم در کلیسا، دسترسی خود به اطلاعات را در راستای آن درخواست، کاهش داده‌ایم. خداوند این را به من خواهد گفت.

خدا این را به من خواهد گفت. و من می‌خواهم بگویم که احتمالاً این الگو نیست، احتمالاً نه، اما این الگویی نیست که کتاب مقدس به ما ارائه می‌دهد. بسیار خوب، بیایید ادامه دهیم.

الگوهای عهد عتیق برای شناخت اراده خدا، یعنی سپرده ارزش‌ها. بیایید ببینیم که آیا این هنوز هم کار می‌کند یا خیر. بسیار خوب، این سپرده ارزش‌ها است.

بگذارید این را برای شما توضیح دهم. ابراهیم، لوط را از سال کلدانیان با خود به سرزمین کنعان برد. و لوط برادرزاده او بود.

ابراهیم از هر نظر مربی او شد. لوط، گویی همیشه در کنار او بود. وقتی ابراهیم شکست خورد، لوط آن شکست را دید.

وقتی ابراهیم اطلاعاتی را که خدا فقط به او داده بود، به لوط رساند، لوط آن را شنید. در اطراف آتش همانطور که ابراهیم پیامی را که خدا به او داده بود، به اشتراک می‌گذاشت، این پیام به صورت شفاهی منتقل می‌شد و به این ترتیب ادامه می‌یافت. لوط از امتیاز بالایی برخوردار بود که در جایی باشد که کار خدا در شخص ابراهیم متمرکز بود.

او ارزش‌ها، خوب و بد را آموخت. وقتی ابراهیم درباره سارا دروغ می‌گوید، لوط آنجاست. او این را دید.

این موضوع چه تاثیری بر لوط گذاشت؟ کتاب مقدس به ما نمی‌گوید. با این حال، در عین حال، بعداً برخی از الگوهای لوط را می‌بینیم که شاید او به دلیل دیدن ابراهیم که هر از گاهی این کار را انجام می‌داد، مرتکب کارهایی می‌شد که مناسب نبودند، هرچند مطمئنم ابراهیم کاملاً روشن می‌کرد که در آن نکته خاص شکست خورده است. لوط، سرزمینی که هنگام تقسیم می‌خواست، ابراهیم از ماجرای مصر بسیار بالغ شده بود.

و او به لوط گفت، تو هر چه می‌خواهی بردار. من هر چه باقی مانده را برمی‌دارم. حال، این بی‌احتیاطی بود زیرا خدا ابراهیم را به نقطه‌ای خاص، مکانی خاص در فلسطین فراخوانده بود. و من کلمه‌ای را می‌خوانم که اکنون در کنعان استفاده می‌کنیم.

و او نباید به لوط چنین حق انتخابی می‌داد. اما وقتی لوط انتخاب خود را کرد، آن را به خاطر سرزمینی که می‌دانست خدا ابراهیم را به آن فراخوانده بود، انتخاب نکرد. او انتخاب خود را بر اساس دیگری انجام داد زیرا در جایی که سدوم و عموره وجود داشتند، و حتی در آن زمان از تاریخ، آنها به عنوان شهرهای فاسد و گناه، طبق تعاریف کتاب مقدس، شناخته می‌شدند.

و لوط می‌خواست به آنجا برود چون آنجا علف بیشتری برای گاوهایش وجود داشت. می‌توانم اینطور بگویم. لوط برای گاوهایش انتخاب می‌کرد، نه برای بچه‌هایش.

و همانطور که روایت لوط را می‌خوانید، به ویژه در پیدایش و سپس مقداری در لاویان، متوجه خواهید شد که لوط انتخاب‌های بدی کرده است. سبک زندگی او مانند لوط است که به شهرهای سدوم و عموره می‌رود. او در دروازه خاور نزدیک باستان می‌نشیند.

عبارت «دروازه‌نشین» به این معنی است که او عضو شورای شهر بود. او به اصطلاح قاضی بود. پس او اینجا بود. او خدای حقیقی را از طریق ابراهیم می‌شناخت.

و او در شورایی نشسته بود که بر اساس اصول دنیوی قضاوت می‌کرد. به عبارت دیگر، یک جهان‌بینی غلط. لوط این را می‌دانست، اما اگر می‌خواست آبرو داشته باشد، باید با آن همراه می‌شد.

و بنابراین بعداً خواهیم دید که در کتاب پطرس، کاملاً روشن شده است که لوط در آشفتگی کامل به سر می‌برد. او در زندگی خود به دلیل تضاد یک جهان‌بینی با جهان‌بینی سدوم و عموره، تنش زیادی داشت. در دوم پطرس ۲، آیات ۶ و ۸، می‌خواهم یک کتاب مقدس را ورق بزنم و اینجا بیاورم، چون می‌خواهم لحظه‌ای با من به این متن نگاه کنید.

دوم پطرس ۲، آیات ۶ و ۸. این متن به متنی بسیار مهم تبدیل می‌شود، و اگر بتوانم صفحاتم را ورق بزنم، گاهی اوقات تعجب می‌کنم که کتاب‌های عهد جدید چقدر کوچک هستند. بسیار خوب، دوم پطرس ۲ آیات ۶ تا ۸. و تبدیل شهرهای سدوم و عموره به خاکستر، آنها را با سرنگونی محکوم کرد، و آنها را به درس عبرتی برای کسانی که بی‌دین زندگی می‌کنند، تبدیل کرد. خب، چگونه بی‌دینی را قضاوت می‌کنید؟ بر اساس جهان‌بینی و ارزش‌ها.

و او ابلاغ کرد، حالا به این کلام توجه کنید، لوط عادل. چی؟ لوط عادل؟ مردی که ابراهیم را ترک کرد و به آن شهر گناهکار رفت، کسی که با دخترش زنا کرد و فرزندان موآب و آمون به دنیا آمدند. همسرش به نمک روی آورد زیرا به خدا ایمان نداشت.

و او به گذشته نگاه کرد و در ارزش‌هایش، آن شهر را بیش از داوری خدا ارج نهاد. این اوج کنجکاوی در نابودی سدوم و عموره نبود، بلکه نگاهی شدید و خشم بود زیرا هر چیزی که دوست داشت، به جای خدا، آنجا بود. اشتباه نکنید که فکر کنید این اوج کنجکاوی بود.

و لوط پارسا را رهایی داد، که از زندگی شهوت‌انگیز شیرانه‌ی خود سخت پریشان بود، زیرا آن مرد پارسا در میان ایشان ساکن بود و می‌دید و می‌شنید که پریشان است. اگر می‌خواهید این را ردیابی کنید، کلمه پریشانی و کلمه پریشان را بررسی کنید. من دوست دارم از این مثال استفاده کنم.

یه لحظه دیگه بهت می‌گم. چیز دیگه ای نمی‌گم. روح درستکارش روز به روز با اعمال بی‌قانونیشون

کلمه عادل چند بار اینجا استفاده شده است؟ تکرار کلید معنا است. اگر این متن نبود، باور نمی‌کردیم که لوط مؤمن بوده باشد، زیرا عهد عتیق او را به گونه‌ای معرفی می‌کند که انتخاب‌های اشتباه با جهت اشتباه داشته است. با این حال، عهد جدید او را عادل می‌داند، که به طور کلی به این معنی است که او مردی بود که خدا را می‌شناخت، صرف نظر از این واقعیت که مانند او رفتار می‌کرد.

و او در روحش آزرده خاطر بود. آن دو کلمه مرا پریشان و آزرده خاطر کرد. دوست دارم از این مثال برای او به عنوان قاضی تحت کنترل مافیا استفاده کنم.

او نمی‌توانست آنچه را که باور داشت، بگوید. نمی‌توانست آنچه را که فکر می‌کرد، بگوید. مجبور بود چیزی را بگوید که آنها می‌خواستند بشنوند.

و بنابراین لوط اینجاست. انتخاب‌های او وحشتناک بود و در نتیجه، رشد او رو به زوال رفت. اما در ارزش‌های سپرده شده، دانش برابر، ارزش‌ها، همه ما به عنوان مسیحیان در یک سطح هستیم، زیرا دانش خدا را داریم.

ما ارزش‌های خود را توسعه می‌دهیم. اراده ما انتخاب می‌کند. و از آنجا رشد اخلاقی ما حاصل می‌شود.

آیا ما در جهت خوبی توسعه پیدا می‌کنیم؟ به سمت بالا. آیا ما در جهت بدی توسعه پیدا می‌کنیم؟ به سمت پایین. اما تمام این توسعه بر اساس دانش است.

اما اراده ما همان چیزی است که با انتخاب‌هایی که از آنچه می‌دانیم انجام می‌دهیم، سروکار دارد. انجام اراده خدا، انتخاب‌های خوب مطابق با روشی است که کتاب مقدس در آن زمینه ما را راهنمایی می‌کند. بنابراین، در اینجا می‌بینیم که ارزش‌ها به ارث می‌رسند.

باید برگردم به اسلاید قبل از اون. شروع کردیم. باشه.

علاوه بر این، ما زندگی لوط را داریم، و همچنین تثیبه ۶، ۱ تا ۹ را در بخش ارزش‌ها داریم. در اینجا دوباره، چون اینها بسیار کلیدی هستند و احتمالاً به روشی که من این را به شما ارائه می‌دهم برای شما آشنا نیستند، خوب است که من اینجا بروم و چند مورد از این متون را بخوانم. تثیبه ۶، ۱ تا ۹. فقط گوش دهید.

حالا این فرمان، قوانین و احکامی است که خداوند، خدای شما، دستور داده است تا به شما بیاموزد تا چه کاری انجام دهید؟ به آنها نگاه کنید. و ما این را در عهد جدید خواهیم دید.

آنها را در زمین انجام دهید، خواه برای تصرف آن عبور کنید. تا از خداوند، خدای خود بترسید و تمام فریاض او، یعنی احکامی را که من به شما امر می‌کنم، حفظ کنید. و این آیه تا آیه سوم ادامه دارد.

پس ای اسرائیل، بشنو و توجه کن که انجام دهی، انجام دهی، انجام دهی، انجام دهی، نه اینکه بیایی، بیایی، مأموریت قوم خدا این نبود که اراده خدا را بیابند، بلکه انجام اراده خدا از وحی‌ای بود که به آنها داده شده بود. منظورم این است که متون در این مورد بسیار زیاد است.

و همانطور که گفتم، ما می‌توانیم شش یا هفت سخنرانی داشته باشیم، فقط با تفسیر این متون که به ما می‌گویند چگونه خدا قوم خود را از طریق نمایندگانش و اطلاعاتی که به آنها اعتماد کرده تا به ما بدهند هدایت می‌کند. کتاب‌های تاریخی نیز همین کار را انجام می‌دهند. این تکرار مکرر شریعت و شهادت است.

هرگز، هرگز فراخوانی برای قوم خدا وجود ندارد. چرا از خداوند نمی‌پرسید که از شما چه می‌خواهد؟ هرگز چرا نمی‌روید شریعت و نوشته‌های پیامبران را نمی‌خوانید و نمی‌بینید که آنها به شما چه می‌گویند؟ حال وقتی در مورد اراده خدا صحبت می‌کنیم، فعل کمی است do خواهیم دید که فعل

ادبیات حکمت بخش جذابی است و بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین من اینجا وقت زیادی صرف نمی‌کنم، اما ادبیات حکمت در کتاب‌های خاصی مانند جامعه، امثال و بسیاری از مزامیر، ادبیات حکمت هستند. ما حتی در عهد جدید، مانند کتاب یعقوب، ادبیات حکمت داریم.

این به شما محصول یک جهان‌بینی را می‌دهد. در واقع، اگر درست به خاطر بیابم، متون حکمت عملاً هرگز از تورات نقل قول نمی‌کنند، بلکه پیام تورات را می‌گیرند و آن را به نحوه زندگی فعلی شما ترجمه می‌کنند، و این

همان مسئولیت ماست. ما نمی‌توانیم این کار را به شیوه‌ای الهام‌بخش انجام دهیم، اما همچنان باید این کار را انجام دهیم تا کلام خدا را بگیریم و آن را به نحوه زندگی خود ترجمه کنیم.

بعد نوبت به پیامبران نویسنده رسید -- اشعیا. بگذارید این متن، اشعیا ۸، فصل ۸، را برای شما بخوانم. اشعیا فصل ۸. فکر می‌کنم می‌توانستم قبل از اینکه اینجا بنشینم، اینها را برجسب گذاری کنم، اما شما هم برای جستجو به زمان نیاز دارید.

و من می‌خواهم که شما خودتان به تمام این متون نگاه کنید و در مورد آنها در رابطه با اینکه چگونه الگوی من، آنها را برای شما تعیین می‌کند، تأمل کنید. اشعیا فصل ۸، آیه ۱۶، آنها را ببندید، شهادت را، آنها را ببندید شما را ببندید، ببخشید، این نسخه استاندارد آمریکایی، ۱۹۰۱ است، نوعی انگلیسی قدیمی. شما شهادت را ببندید، شریعت را در میان شاگردان من مهر و موم کنید.

تمرکز اینجا روی چیست؟ تمرکز روی کسب اطلاعات نیست. تمرکز روی درک اطلاعاتی است که دارید. و من منتظر خداوندی خواهم ماند که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌کند.

آیه ۱۹: ببینیم تا کجا می‌خواهم پیش بروم. در واقع، آیه ۱۶، همانطور که قبلاً خوانده‌ام. و من منتظر خداوندی خواهم بود که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌کند.

و من به دنبال او خواهم گشت. اینک من و فرزندان که خداوند به من داده است، از جانب خداوند لشکرها، که در صهیون ساکن است، برای اسرائیل نشانه‌ها و عجایب هستیم. اما همه اینها بر اساس شهادت است.

به آیه ۲۰ نگاه کنید. این آیه بسیار مهمی است. این را هایلایت کنید.

به شریعت و شهادت، اگر مطابق این کلام سخن نگویند، در آنها سوگواری نیست. اگر مطابق کلام سخن نگویند، در آنها نوری نیست. حال، برخی خواهند گفت، خوب، از خدا پرس که او چه می‌خواهد.

و اگر با کتاب مقدس مطابقت ندارد، پس نباید آن را انجام دهید. کتاب مقدس هرگز چنین چیزی نمی‌گوید. کتاب مقدس می‌گوید با شریعت و شهادت شروع کنید، با فرایض شروع کنید و با اطلاعاتی که خدا در مورد نحوه زندگی ما داده است، شروع کنید.

این الگوی عهد عتیق است. و وقتی هر کتاب عهد عتیق را مرور می‌کنید، این در مقابل شماس است. حالا، ما در مورد کاهش ارزش‌ها صحبت کردیم.

بگذارید یک لحظه به عقب برگردم. خوب، این هم از این. شما نه تنها متن کتاب مقدس را دارید، بلکه آن روایت‌ها به شما اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی‌تان می‌دهند.

مثل لوط زندگی نکن. و ابراهیم انسان کاملی نیست، اما الگوی بهتری است. موسی هم کامل نبود، اما الگوی بهتری است.

چرا؟ چون در نهایت، آنها از خدا اطاعت کردند. آنها از آموزه‌های خدا پیروی کردند. البته نه کاملاً.

و آیا کتاب مقدس از این جهت شگفت‌انگیز نیست که به همان اندازه که پیروزی‌های قهرمانان ما را ثبت می‌کند، کاستی‌های آنها را نیز ثبت می‌کند؟ این ارزش افزوده به بخش بزرگی از جهان بینی ما تبدیل می‌شود زیرا

مستقیم نیست، بلکه تلویحی است. شما می‌توانید از تماشای چگونگی نقض ارزش‌ها و پیام خدا توسط لوط، و همچنین بسیاری از شخصیت‌های دیگر کتاب مقدس، حتی داوود، چیزهای زیادی بیاموزید.

بسیار خوب، پس یوشع ۱ که هنوز نخوانده‌ایم، اما من این یکی را نمی‌خوانم. فقط می‌خواهم در موردش با شما صحبت کنم. یوشع ۱:۶ تا ۶-۸، و باب ۲۴ این واقعیت ارتباط خدا و توسعه ارزش‌ها از آن ارتباط را نشان می‌دهند.

شما واقعاً باید این متون را با دقت بخوانید. و این چیزی است که قرار است مشاهده کنید. در آیات ۱:۶ تا ۸، به تعلیم موسی توجه کنید.

این چیزی است که یوشع پس از رفتن موسی به مردم می‌گوید. آنچه موسی گفت را انجام دهید. آنچه خدا از طریق موسی گفت را انجام دهید.

به کتاب تعلیمات موسی، همانطور که او آن را می‌نامد، عمل کنید. با ایمان به تمام آنچه در آن نوشته شده است، عمل کنید. یوشع هرگز نمی‌گوید که بروید و ببینید خدا اکنون می‌خواهد چه کاری انجام دهد.

یک جلسه کمیته داشته باشید و غیره. نه، همه اینها به کتاب مقدس مربوط است. یوشع ۲۴، من این را مضمون تمرین می‌نامم.

او در انتهای کتاب تکرار می‌کند. اینها نکات پایانی کتاب یوشع، فصل ۱، فصل ۲۴ هستند. مضمون تکرار در کتاب مقدس زیاد آمده است، جایی که گوینده، خوبی خدا را برای مردم تکرار می‌کند.

معمولاً همین‌طور است. گاهی اوقات، تمرین قضاوت وجود دارد. اما روی هم رفته، برمی‌گردد و تمرین می‌کند.

یادت هست خدا چقدر با تو خوب بود وقتی تو را از سرزمین مصر بیرون آورد؟ تو شکست خوردی. واقعاً گاهی اوقات زیاد به این موضوع اشاره نمی‌کند. بارها به نقاط روشن نگاه می‌کند.

در یوشع ۲۴:۲۵، یوشع عهدی بست و آن را در کتابی در مورد چه چیزی ثبت کرد؟ دستورالعمل الهی بنابراین نمی‌دانم چند بار باید بر این موضوع تأکید کنیم، اما واقعیت این است که پیروی از خدا به معنای پیروی از کلام او و جهان بینی و ارزش‌های پیچیده‌ای است که آن کلام ایجاد می‌کند. وحی با گذشت زمان متمرکزتر می‌شود.

باید این را به شما نشان بدهم. من واقعاً در کار با پاورپوینت خوب نیستم. ممکن است شما نتوانید آن را از یا چیزی شبیه به آن نگاه می‌کنید، اما من این جزوه را PDF این زاویه ببینید چون احتمالاً دارید به یک فایل اینجا دارم.

با گذشت زمان، وحی متمرکزتر می‌شود. اسفار پنجگانه پایه و اساس آن است. و شما پژواک اسفار پنجگانه را در کتاب مقدس، مزامیر، انبیاء می‌بینید و می‌شنوید و همه اینها در عیسی مسیح نمود پیدا می‌کند.

سپس، عهد جدید دقیقاً همان چیزی را که در عهد قدیم اتفاق افتاده تکرار می‌کند. انجیل‌ها، به یک معنا، پایه و اساس ما، اسفار پنجگانه ما هستند. کتاب اعمال رسولان درباره گسترش و چگونگی حیات کلیسا صحبت می‌کند.

این رساله‌ها به مسائل گاه‌به‌گاه کلیسا می‌پردازند و رسول سعی می‌کند آن مسائل را حل کند و مردم را به ارزش‌ها و جهان‌بینی‌ها و رفتارهایشان بازگرداند. بنابراین، توسعه‌ی سپرده‌ی ارزشی جنبه‌ی بسیار مهمی از درک ما از کتاب مقدس است. خوب، پس الگوهای عهد عتیق برای شناخت اراده‌ی خدا

برخی از احکام غیر مجاز وجود دارد که هنگام مطالعه عهد عتیق توسط بت پرستان استفاده می‌شود. این یک حوزه جذاب است. ببخشید، من تمایل دارم کمی سریع بروم.

این ممکن است برای ترجمه‌های هوش مصنوعی سخت باشد. من باید آهسته‌تر و رساتر باشم. اما پیشگویی ANE.

به معنای پیشگویی خاور نزدیک باستان است. در تثنیه ۱۸ به آن اشاره شده است. در کتاب بروس ANE والتکه، او این موضوع را تا حد زیادی آشکار می‌کند.

این در کتابشناسی یادداشت‌های شما هست. در تثنیه ۱۸، انواع و اقسام چیزها را داریم. آنها در دنیای بت‌پرستان قرعه‌کشی کردند.

خب، آنها در دنیای یهود قرعه می‌انداختند. قرعه‌کشی در دنیای بت‌پرستان یک امر وحیانی بود. قرعه‌کشی در دنیای اسرائیل، بارها و اغلب اوقات، انتخابی بود که به عنوان انتخابی مستقل و بنابراین عادلانه تلقی می‌شد.

زمین با قرعه‌کشی تقسیم شد. بنابراین، هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید، خوب، یوشع، تو این انتخاب را کردی، نه خدا. نه، این انتخاب، حق حاکمیت خداست.

این بخشی از قرعه‌کشی در کتاب مقدس است. سپس ارگ‌خوانی داریم. پرتاب تیر داریم، و آنها اینها را می‌خوانند.

یه جورایی مثل تماشای یه فیلم کابوی و هندی‌ها، خدایا، خیلی وقت‌ها، مرد داروغه کارهایی مثل این انجام می‌داد. اما در خاور نزدیک باستان، این کار خیلی رایج بود.

خواندن آب در ظروف. طالع بینی. مدیوم‌ها و روح‌گرایان وجود داشتند، اما کتاب مقدس این کار را به شدت محکوم می‌کند.

من این‌ها را برای شما نمی‌خوانم. شما می‌توانید آن‌ها را بخوانید، اما در لایوان، باب اول سموئیل، وقتی شائول به جادوگر اندور کشیده شد و غافلگیر شد زیرا خدا بر او مسلط شد و شائول به سزای اعمالش رسید، اگر مایلید، این اصلحیه‌ای از آن است. کتاب مقدس به طور مداوم و کاملاً هر نوع پیشگویی را محکوم می‌کند.

این بخشی از جهان است. علاوه بر این، از الگوهای عهد عتیق برای شناخت اراده خدا استفاده می‌شود. تمهیدات ویژه‌ای وجود دارد.

همانطور که به شما اشاره کردم، اعمال پیشگویی بت‌پرستان در لایوان و تثنیه کاملاً محکوم شده است. علاوه بر این، مقررات ویژه‌ای در دوره عهد عتیق وجود داشت. اعمالی وجود داشت که توسط عهد عتیق مجاز شمرده می‌شد و برخی ممکن است بگویند، خوب، این نوعی پیشگویی است.

حتی می‌توانیم آن را این‌طور بنامیم. ابزارهای پیشگویی به نام فالگیری وجود داشتند. و این در جاهای دیگر، حتی در عهد جدید، با ذکر متیاس به عنوان یک حواری، به صورت اعداد ذکر شده است.

این فرآیندی بود که در آن می‌توانستیم انتخاب کنیم و به حاکمیت خدا در انتخابمان اعتماد کنیم. چیز جالبی است. اوریم و احضار در خروج ۲۸ یک مورد بسیار کوتاه مدت است که خدا به کاهن برای هدایت ملت داد.

بنابراین، این یک مورد بسیار محدود بود زیرا خداوند کاهن را به پیرون و انبیا را به عنوان صدای خدا منتقل کرد. این ناپدید می‌شود - یک تاریخچه مختصر.

و در یادداشت‌ها، اطلاعاتی در این مورد به شما داده‌ام. و همچنین دو کتاب را به شما معرفی کرده‌ام که نسبتاً ناشناخته هستند، مگر اینکه در جستجوی کتابشناسی در مورد این شماره از اوریم و احضار مهارت داشته به نظر برسیم. بسیار B باشید. گاهی اوقات، برخی ممکن است بگویند اوریم و احضار چون ممکن است شبیه خب.

رویاها. رویاها بزرگ بودند. این حتی در مورد یوسف در عهد جدید نیز اتفاق افتاد.

حالا، ممکن است بگویید، خب، من خواب می‌بینم. خدا از طریق خواب با من ارتباط برقرار می‌کند. شما بخشی از توسعه تاریخ رستگاری نیستید.

تو محصول تاریخ رستگاری هستی. این خواب‌ها در روند پردازش خدا از قومش هستند و بیشتر در جریان اصلی قرار دارند. آن‌ها تصادفی نیستند.

همه ما رویاهایی داریم. رویاها، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، از شلوغی افکار یک روز ناشی می‌شوند. قرار است جالب باشد.

یک کتاب خوب از فرانتس دلیتزچ به نام روانشناسی کتاب مقدس وجود دارد. مجبورم دوباره آن را بگویم. چون در یادداشت‌هایم آن را ندارم. فرانتس دلیتزچ، روانشناسی کتاب مقدس.

این یک کتاب قدیمی است، اما کتابی بسیار جالب در مورد مسئله رویاها در کتاب مقدس و در زندگی یک مؤمن است. نشانه‌های معجزه‌آسا. ما این‌ها را زیاد در عهد عتیق می‌بینیم.

آنها نه توسط هر فردی، بلکه توسط رهبران خدا و رابطان برگزیده خدا انجام می‌شدند. پیامبران اولیه از نظر داوران و سموئیل و آنچه در آنجا می‌گذشت. باز هم، افراد برگزیده.

این یک ویژگی مشترک نبود که اگر به عنوان یک مؤمن به عهد عتیق می‌خواستید از آن استفاده کنید، اما چیزی بود که خدا از طریق افراد منتخب برای ابلاغ کلام خود استفاده می‌کرد. می‌توانیم پیشگویی در خاور نزدیک باستان و عهد عتیق را با هم مقایسه کنیم. در خاور نزدیک باستان، برخی از قوانین از پادشاه حاکم گرفته می‌شد.

، حمورابی و دیگران قوانینی دارند. گاهی اوقات، آنها بسیار شبیه عهد عتیق به نظر می‌رسند، اما در عهد عتیق، قوانین خدا، خودافشاگری او بودند. آنها یک اثر وحیانی هستند، نه یک اثر توسعه انسانی.

علاوه بر این، در خاور نزدیک باستان، پیشگویی و جادو به دلیل نداشتن کدهای کافی، رواج زیادی داشتند و بنابراین مردم دائماً اطلاعات واسطه خود را درخواست می‌کردند. اکنون، می‌دانید، ما وسوسه می‌شویم که این کار را انجام دهیم. در واقع، من فکر می‌کنم چیزی که اکنون تقاضا و اشتیاق برای وحی مستقیم از جانب خدا را برانگیخته است این است که ما نمی‌خواهیم اشتباه کنیم.

این انگیزه خوبی است. اما جنبه دیگر آن این است که ما فرض می‌کنیم این روشی است که خدا برای ارتباط برقرار کردن انتخاب کرده است، و او این ارتباط را انتخاب نکرده است. پیشگویی در عهد عتیق اهمیت کمی داشت زیرا یک قانون کافی برای هدایت زندگی، شریعت و شهادت‌ها وجود داشت.

موسی، یوشع و پیامبران هرگز به پیشگویان، پیشگویان کتاب مقدس، نگفتند؛ او به شریعت و به شهادت‌ها گفت. افراد در عهد عتیق مسئول اطاعت از کلام خدا بودند. آنها ممکن است آن را به صورت شفاهی شنیده باشند.

مطمئنم که آنها همیشه لحظات آموزشی داشته‌اند. ما این لحظات را در متن به عنوان لحظات آموزشی اصلی می‌بینیم، اما آنها مکرراً اتفاق می‌افتند. مطمئنم که رهبران اصلی مانند موسی و یوشع، کسانی بودند که آنها را تکرار می‌کردند.

در عهد جدید، ما رسولان و انبیا را داریم. انبیا آموزه‌های رسولان را تکرار می‌کردند، و در نتیجه، این [کار] ادامه دارد. در خاور نزدیک باستان، پیشگویی برای همه نوع موضوعی بود.

در عهد عتیق، پیشگویی عمدتاً در رابطه با رویدادهای بزرگ رستگاری بود و رهبران اصلی آن رویدادها آن را انجام می‌دادند. بنابراین آن الگوهای عهد عتیق کاملاً جالب هستند، اینطور نیست؟ بیایید از اینجا بگذریم. به اسلاید شماره ۱۳ می‌رویم.

من آن را یک نکته‌ی فرعی کنجکاو می‌نامم، و به برخی مسائل مربوط می‌شود. موضوعی که باید در مورد آن فکر کرد این است که چگونه خدا از کاهن به عنوان نماینده‌ی خود استفاده کرد، اما در تاریخ رستگاری به پیامبران روی آورد. کاهنان ابزارهای اصلی بودند، اما شکست خوردند.

آنها فاسد شدند. بنابراین خدا به مقام نبوت روی آورد و پیامبران این مقام را به دست گرفتند. ما واقعاً کاهن را به عنوان حامل وحی خدا، افشای الهی او، نمی‌یابیم.

آنها اراده او را هماهنگ کردند، و احتمالاً مانند هر کس دیگری از اسناد یا دانشی که به صورت شفاهی از آموزه‌های خدا داشتند، بد عمل کردند. اما واقعیت این است که آنها کاملاً با پیامبران متفاوت هستند. پیامبران وحی مستقیم و بی‌واسطه دریافت می‌کردند.

آنها پس از مدت زمان نسبتاً طولانی از پیامبران موعظه‌گر، به نوشتن ادامه دادند، اما نه پیامبران نویسنده همانطور که قبلاً اشاره کردم، استفاده از اوریم و تمیم توسط کاهنان انجام می‌شد، اما کوتاه بود. فقط کاهن از آن استفاده می‌کرد.

وقتی خدا به پیامبران روی آورد، آن وسیله‌ی تشخیص ناپدید شد. هیچ تاریخی از آن وجود ندارد. این بخش بسیار کوتاهی از تاریخ کتاب مقدس است.

مطلب جالبی بود، اما فقط مربوط به کشیش بود. برای اطلاعات بیشتر در این مورد به بخش ب در یادداشت‌هایی که به شما دادم مراجعه کنید. بسیار خوب، چند نکته‌ی خلاصه.

رویه‌های معجزه‌آسا خاص بودند، نه هنجاری. من فکر می‌کنم این مهم است زیرا در عهد عتیق، آن دوره‌ای بود که خدا خود را آشکار می‌کرد؛ او مجبور بود این کار را انجام دهد زیرا سوابق بسیار اندک بود. اما رویه‌های معجزه‌آسا حتی در آن زمان نیز خاص بودند.

نه امری عادی. او فقط به بیابان نرفت و از خدا پیامی نگرفت. علاوه بر این، اطاعت از کلام خدا و وحی خاص برای قوم خدا امری عادی بود.

حالا، آنها به اندازه ما به کتاب مقدس دسترسی نداشتند. ما به دلیل دسترسی آسانمان به کتاب مقدس، در برابر خدا مسئولیت بیشتری داریم. آنها به اندازه ما به کتاب مقدس دسترسی نداشتند.

بنابراین آنها مجبور بودند با کسی که کاهن یا پیامبری بود که کلام را می‌دانست صحبت کنند و وضعیت خود را با آنها در میان بگذارند. و آن کاهن یا پیامبر کلام خدا را به کار می‌برد و به آنها کمک می‌کرد، همانطور که یک کشیش ممکن است امروز به شما کمک کند. رویه‌های ویژه بیشتر ملی بودند تا فردی.

اعمال عهد عتیق لزوماً جاودانه نیستند. در کتاب مقدس مسئله‌ای به نام وحی خاص وجود دارد که ارزش سپرده‌ها را کاهش می‌دهد و در بخش‌های خاصی چیزهایی را توصیف می‌کند و در بخش‌های خاصی به چیزهایی فرمان می‌دهد. و ما این را در زمانی ذکر خواهیم کرد که باید پرسید آیا کتاب مقدس توصیفی است یا دستوری. آیا این فرمان موقتی و توصیفی است؟ بنابراین، موقتی و توصیفی بود.

آنها با عهد عتیق متوقف شدند، اما در طول عهد عتیق جنبه تجویزی داشتند. قرار بود از آنها پیروی کنید، اما آنها متوقف شدند و ما به کار خود ادامه دادیم. بنابراین اینها چیزهایی هستند که باید از تفسیر کتاب مقدس در مورد آنها تصمیم بگیرید.

چه چیزی توصیف می‌کند، چه چیزی تجویز می‌کند، و چه مدت تجویز می‌شود؟ ده فرمان، تجویزی هستند، و با این حال، مسئله‌ی سبب موضوعی است که اکثر مردم فکر می‌کنند در بازه‌های زمانی خاصی توصیفی است و با این حال، یک بخش تجویزی دارد که آنها به روش‌های مختلف آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. علاوه بر این، اعمال عهد عتیق لزوماً تداوم نیافته‌اند. می‌دانید، تا آنجا که به من مربوط می‌شود، هنوز هم می‌توانید از قفل‌ها استفاده کنید.

برای مثال، آیا به این فکر کرده‌اید که اگر پنج نفر در کلیسا واجد شرایط شماس یا شیخ بودن باشند، اما فقط دو نفر از آنها را داشته باشید، چرا از قفل استفاده نمی‌کنید؟ می‌توانید نام آنها را روی یک کلاه بنویسید و از یک نفر بخواهید قرعه‌کشی کند. اگر همه آنها به یک اندازه واجد شرایط باشند، دیگر لازم نیست چند نفر در مورد اینکه چه کسی برای این دسته مناسب‌تر است، تصمیم بگیرند.

این کاری است که لوط در عهد عتیق انجام داد. این کاری است که در کتاب اعمال رسولان انجام داد. راستش را بخواهید، یک بار از یک کشیش در این مورد شنیدم.

شاید باید برای انتخاب افراد خاصی که در کلیسا صلاحیت یکسانی دارند، از قرعه‌کشی استفاده کنیم و از آن پیروی کنیم. نمی‌دانم که آیا این ایده بدی است یا نه. علاوه بر این، کلام خدا، چه شفاهی و چه کتبی، در تشخیص [افراد] نقش محوری داشت.

این در مرکز است. جهان‌بینی و ارزش‌های پیچیده‌ای که آنها در حال توسعه بودند، کلیدهای تشخیص بودند. یک چیز واضح است که هیچ مدل فردگرایی وجود ندارد.

من فکر می‌کنم فردگرایی در کلیساهای ایالات متحده بسیار قوی است، زیرا کشور ما بر اساس فردگرایی افراطی بنا شده است. این از ابتدا درست بود. دوران‌کنندی آن فردگرایی بسیار قوی و افراطی را ایجاد کرد.

آمریکایی‌ها بیشتر از اینکه جامعه‌گرا باشند، فردگرا هستند. کلیساها هم در نهایت همین‌طور می‌شوند. و این چالشی است که همه ما به عنوان مسیحی باید با آن دست و پنجه نرم کنیم.

اینها برخی از مشاهدات خلاصه بودند. حال، نکته بعدی اراده خداوند در نامگذاری در عهد عتیق است. استفاده از اصطلاح اراده و دسته بندی های اراده خداوند

این اصطلاح، ما در مرور کلی خود به آن اشاره کردیم. مطالعه این اصطلاح به دلیل نسخه‌های انگلیسی پیچیده است. و من به زودی یک نمودار پیوستار به شما ارائه خواهم داد.

عبارت کلیشه‌ای «اراده خدا» که در فضای مسیحی بسیار رایج است، در درجه اول یک عبارت عهد جدید است. این عبارت در واقع دقیقاً به همان شکل استفاده نمی‌شود. همان ایده‌ها در آنجا نیز وجود دارد.

خواست خدا، اهداف خدا و غیره. همه اینها عباراتی درباره اراده خدا هستند. اما به یک شکل بیان نشده‌اند.

ترجمه هفتادگانی حتی این کار را هم نمی‌کند، مگر در چند جا. این اساساً یک عبارت عهد جدید است. به رومیان ۲:۱۷ و ۱۸ نگاه کنید.

فکر می‌کنم این متن مهمی است که باید ببینید. رومیان ۲:۱۷ و ۱۸. این متنی است که باید اینجا در اولویت قرار بگیرد.

رومیان ۲:۱۷ و ۱۸. پولس در این فصل‌های اولیه به مسائل یهودیان و غیریهودیان می‌پردازد. این فصل ۱۷ است.

اما اگر نام یهودی را بر خود دارید و با تکیه بر قانون مقاومت می‌کنید، یا به قانون تکیه می‌کنید، دوباره همان زبان قدیمی را دارید. و با تکیه بر قانون و جلال و شکوه خدا، به آن تکیه می‌کنید.

و اراده او را بشناس. و چیزهایی را که از جانب او تعلیم داده می‌شود، تأیید کن. شریعت. در این آیات دو بار از شریعت نام برده شده است.

شریعت چیست؟ شریعت اراده خداست. و متون متعددی وجود دارند که این کار را انجام می‌دهند. با این حال، متن رومیان ۲ از این جهت که پولس از آن استفاده و آن را توصیف می‌کند، متن مهمی است.

اراده خدا برای مسیحیان کتاب مقدس است. اراده خدا برای یهودیان شریعت بود. و این به طور خاص گفته شده است.

یک عبارت یا اصطلاح واحد، الهیات را نمی‌سازد. به عبارت دیگر، وقتی در مورد اراده خدا صحبت می‌کنیم، متون زیادی در انجیل‌ها نداریم. اما می‌خواهیم به مدل عیسی نگاه کنیم، اینطور نیست؟ خب، این بخشی از مدل روایی خواهد بود، همانطور که در مورد آن در مورد کتاب مقدس و مدل‌هایی برای نحوه رفتار و نحوه زندگی از بخش‌های روایی کتاب مقدس صحبت کردیم.

ما لازم نیست متن اثبات مستقیم داشته باشیم، اما یک داستان داریم. و عیسی تعداد زیادی از آنها را به ما می‌دهد. بنابراین، ما نمی‌توانیم فقط یک کلمه یا یک عبارت را برداریم و آن را مقدس بدانیم و هر چیز دیگری را رد کنیم.

(goal) در عهد عتیق. باشه؟ این کلمه از میل (will) خیلی چیزهای دیگه هم هست. پیوستار اصطلاح اراده میرسه (goal) شروع میشه و به هدف

خواستن همان چیزی است که خدا می‌خواهد. او را خشنود کن. وقتی از او اطاعت می‌کنی، او از تو لذت می‌برد.

شما در نظر او مورد لطف قرار می‌گیرید. و این به آن سوی پیوستار هدف می‌رود، جایی که خدا انتخاب می‌کند. خدا عشق ورزیدن را انتخاب می‌کند.

خدا تعیین می‌کند. بنابراین، شما این پیوستار را از آنچه خدا می‌خواهد تا آنچه خدا انجام خواهد داد، از میل تا هدف، دارید. و این در عهد جدید نیز صادق خواهد بود.

در سمت هدف، چیزی از حاکمیت خدا را خواهیم دید. در سمت میل، اطاعتی را که از آموزه‌های خدا داریم، خواهیم دید. بسیار خوب، ادامه می‌دهیم.

عبارت یونانی. این جالبه. من قصد ندارم وقت زیادی رو اینجا صرف کنم.

اما جستجویی در ترجمه هفتادگانی وجود دارد که الگوهای اراده خدا مانند عهد جدید را ارائه نمی‌دهد. این جستجو از الگوی آنچه خدا می‌خواهد، از آن لذت می‌برد و اهدافش پیروی می‌کند. و این فقط زبان‌شناسی است.

معنی یکسان است، اما یک تفاوت زبانی وجود دارد. اما به طرز عجیبی، در ادبیات یهودی معبد دوم، این از ملاکی تا طومارهای دریای مرده وجود داشته است. ما همه این موارد را در آن دوره قبل از زمان مسیح داریم.

نوشته‌های زیادی، نوشته‌های بسیار مهمی که باید بدانید. به طرز عجیبی، در ادبیات معبد دوم، این عبارت وجود دارد: اراده خدا. حال، آیا این به دلیل تأثیر یونانی بر نحوه بیان یک عبارت زبانی است؟ نمی‌دانم که می‌توانم به این سوال پاسخ دهم یا نه.

اوه، به لحظه دیگه به اسلاید بهت میدم. یادت باشه به کلمه یا به عبارت رو الهیات نمی‌سازه. برای مثال، در مورد اراده‌ی مطلق خدا در سیراخ، طوبیت، مکابیان اول و مکابیان دوم صحبت شده.

این نوشته‌ها را باید بخوانید. این کتاب مقدس نیست، اما تاریخ یهود است و مهم است. مؤمنان عهد جدید برای تعدادی از این کتاب‌ها ارزش قائل بودند.

«اِکلیسیاستیکوس»، نه «اِکلیسیاست»، بلکه «اِکلیسیاستیکوس» «که همان حکمت بن سیراخ است. کلیسای» اولیه برای آن ارزش قائل بود. آنها برای یوسفوس نیز ارزش قائل بودند.

اراده اخلاقی در عزرا، مکابیان، حکمت سلیمان و قصاید سلیمان آمده است. همه اینها کتاب‌های معبد دوم هستند که این چیزها در آنها مطرح شده است. تا جایی که من متوجه شده‌ام، هیچ مانعی برای اراده شخصی و فردگرایانه وجود ندارد.

من متخصص معبد دوم نیستم، اما تا جایی که می‌توانستم با تخصصم به آن نگاه کرده‌ام. حالا، اراده‌ی نام‌گذاری خدا در عهد عتیق. ما دسته‌بندی‌هایی برای اراده‌ی خدا داریم.

اراده‌ی حاکمانه‌ی خدا. حالا، اینجا می‌خواهم این آیات را برای شما بخوانم، اما من در حال حاضر درگیر این موضوع هستم و این به زمان من مربوط می‌شود. و این قرار است، و این درس کمی طولانی‌تر خواهد شد.

شما همیشه می‌توانید متوقف شوید و شروع کنید. بنابراین من باید آن را بسازم، می‌خواهم پیوسته باشد. تقسیم کنم OT2 و OT1 نمی‌خواهم آن را به

بنابراین، می‌خواهم آن را پیوسته کنم. نامگذاری اراده خدا در عهد عتیق. دسته‌بندی‌های اراده خدا

ترجمه استاندارد خدا می‌گوید، من می‌دانم که تو بر هر کاری قادری و هیچ هدفی، کلمه اراده وجود ندارد، که هیچ هدفی از تو را نمی‌توان مهار کرد. انواع متون در مورد قوانین خدا وجود دارد. از ریزش یک قطره باران گرفته تا سقوط یک پادشاهی، خدا کنترل امور را در دست دارد.

حاکمیت خدا در کتاب مقدس کاملاً مشهود است. اراده اخلاقی خدا، رک و پوست کنده بگویم، اراده اخلاقی خدا بر کتاب مقدس حاکم است، روشی که او می‌خواهد ما زندگی کنیم. و این هم از عهد عتیق و هم از عهد جدید ناشی می‌شود.

ما در حال حاضر فقط به عهد عتیق نگاه می‌کنیم. کمی بعد در مورد زندگی دانیال صحبت خواهیم کرد تا ببینیم او چگونه آموزه‌های خدا را در شرایط خودش به کار بست. بنابراین، شما اراده‌ی حاکم را دارید، شما اراده‌ی اخلاقی را دارید.

اینها بر دسته‌بندی‌های اراده خدا در کتاب مقدس، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید، غالب هستند. من جستجو و جستجو کرده‌ام. هیچ‌جا چیزی را که من آن را اراده فردی می‌نامم، پیدا نکرده‌ام، جایی که شما به خدا مراجعه می‌کنید و می‌گویید، خدایا، به من بگو چه کار کنم.

آیا باید پزشک شوم؟ آیا باید وکیل شوم؟ آیا باید معلم شوم؟ شاید باید کشیش شوم. شاید باید تاجر شوم. شاید باید گودال حفر کنم.

همه اینها کارهای شریفی در دنیا برای امرار معاش و حمایت از خانواده هستند. اما هیچ‌الگوی فردی در کتاب مقدس برای فهمیدن این موضوع وجود ندارد. شما این را از روی اینکه چه کسی هستید و چه کاری می‌توانید به بهترین شکل برای تحقق بخشیدن به خودتان انجام دهید، کشف می‌کنید و آن را به روشی انجام می‌دهید که با آموزه‌های کتاب مقدس سازگار باشد.

اینکه هر کسی وصیت‌نامه‌ی شخصی خودش را دارد. تو کل کتاب مقدس را داری. این برای توست.

این برای تو نیست، اما برای توست. و تو بر اساس آن زندگی می‌کنی. این دسته‌بندی است.

اما مدل اراده فردی که باید از قبل آن را بفهمید و با دقت گوش دهید، که باید از قبل آن را بفهمید تا بتوانید تصمیمی بگیرید، وجود ندارد. این یک افسانه ساخته و پرداخته ذهن مردم است. این با طرز فکر بسیاری از مردم، آنچه که از خدا می‌خواهند، مطابقت دارد، اما آنها به نحوه شکل‌گیری کتاب مقدس و روشی که خدا برای ارتباط با ما انتخاب کرده است، گوش نمی‌دهند.

الگوی دانیال. دانیال شخصیت بسیار جالبی است که در اواخر تاریخ اسرائیل، قبل از آنچه ما دوره بین دو عهد می‌نامیم، ظهور می‌کند. الگوی دانیال

دانیال وابستگی خود به وحی خدا را تشخیص داد. در اینجا دوباره، می‌توانم تمام این قسمت‌ها را برای شما بخوانم، اما باید از شما بخواهم که این کار را انجام دهید. او خواند، درست همراه با این اسلایدها، از ۲۰ تا ۲۳ خواند، و دید که چگونه وابستگی او به وحی خدا را آشکار می‌کند.

او تصمیم نمی‌گرفت. او بر اساس آنچه در مورد وحی خدا در مورد نحوه زندگی داشت، تصمیم می‌گرفت. او زندگی خود را بر اساس ارزش‌های خدا، زندگی دعاگونه و وابستگی‌اش به خدا سازماندهی کرد، حتی پنجره‌های خود را به سمت اورشلیم باز می‌کرد تا دعا کند.

همه اینها نشان دهنده این بود که او آنچه را که عهد عتیق به عنوان زندگی یک مؤمن خوب الگوبرداری کرده بود، به انجام رساند. او با صبر و شکیبایی، اراده حاکمانه خدا را که به شیوه‌های جذابی تحقق می‌یافت، مشاهده کرد. زندگی دانیال، دوران چندین پادشاه بابل را در آن دوره در بر می‌گیرد.

و این خیلی جذابه. اونا حتی یه بار فراموش کرده بودن که اون کیه. و اون احضار میشه، و بعد خدا معجزه میکنه وقتی که روی دیوار مینویسه، و پیامبران اونجا هستن تا اون رو برای اونا باز کنن.

و در نتیجه، دانیال الگویی از زندگی بر اساس کلام خدا، بر اساس آموزه‌های خدا، نه بر اساس حکمت خودش، بلکه بر اساس حکمت خدا ارائه می‌دهد. خب. خب. این دانیال است.

بیا بیدنگاهی بیندازیم. نمونه‌هایی از متن‌های سوءاستفاده‌شده را انتخاب کنید. و من خیلی دوست دارم این کار را انجام دهم. احتمالاً باید یک درس کامل فقط در این مورد داشته باشم، اما فقط می‌توانم تا حدی این کار را انجام دهم.

:بسیار خوب. عروسی برای اسحاق. یادتان هست وقتی ابراهیم در پیدایش ۲۴ خادمش را صدا زد و گفت: «می‌خواهم اسحاق، عروسی از قوم ما را، به ما بازگردانی»

ببینید، در خاور نزدیک باستان خیلی خیلی مهم بود که خطوط ژنتیکی خود را حفظ کنید. و بنابراین او یک عروس از قوم خود می‌خواست. او خدمتکارش را می‌فرستد، و خدمتکارش با دستورالعمل‌هایی که به او داده شده بود، می‌رود تا از قوم خود عروس بیاورد.

نه هر کسی، نه هر کسی که از راه برسد. آن بنده جمله‌ای را می‌گوید که خیلی‌ها از آن استفاده می‌کنند: بودن در مسیری که خدا به من اجازه داده بود. خب، چه چیزی مانع بود؟ به هر حال اینطور نبود.

او در زمان و مکان مناسب، در کنار چاه آب مناسب بود تا خانواده و دختران مناسب بیایند و بتوانند انتخاب کنند. البته ماجرا به این آسانی‌ها هم نبود، اما با این وجود، عروس اسحاق طبق شروط عهد عتیق در مورد نسل ابراهیم و نابغه‌اش انتخاب شد. پشم جَدعون، می‌دانید، جَدعون پشم را بیرون گذاشت.

یک روز، او گفت، خدایا، آن را خشک کن، و من وقتی حرف تو را باور می‌کنم که بقیه‌ی زمین خیس شده باشد. او باور نکرد، و باور هم نکرد. بنابراین دوباره این کار را کرد، آن را خیس کرد و بقیه‌ی زمین خشک شد.

خدا با جَدعون خیلی صبور بود، اما پشم جَدعون نشانه‌ی بی‌ایمانی است. این کار مناسب نبود، اما خدا با جَدعون کنار آمد و برخلاف میلش با او صبور بود. او الگوی خوبی نیست.

پس به آنجا نرو. اصطلاحات راهنمایی در عهد عتیق: با تمام قلب خود به خداوند توکل کن، در تمام راه‌هایت به عقل خودت تکیه نکن، او را تصدیق کن، و او مسیرهای تو را هدایت خواهد کرد. من هزاران بار شنیده‌ام که این آیه به عنوان یک الگوی فردگرایانه برای شناخت اراده خدا نقل شده است.

نه، اینطور نیست. با تمام قلبت به خداوند توکل نکن، به عقل خودت تکیه نکن. این یعنی چی؟ یعنی پیروی از سپرده‌ی ارزش، شریعت و پیامبران.

این به این معنی نیست که نمی‌تونی به خودت اعتماد کنی. پس باید به چیزی رو به بقیه نشون بدی. پس حق با توهه.

این چیزی نیست که آن متن در مورد آن صحبت می‌کند. در تمام راه‌هایتان، او را تصدیق کنید، و او مسیرهای شما را هدایت خواهد کرد. او چگونه مسیرهای شما را هدایت می‌کند؟ مثل مزمور نیست. دست خود را در دست مردی بگذارید که روی آب راه می‌رفت.

این تمام ماجرا نیست. اما حقیقت این است که شما باید از آموزه‌های او پیروی کنید. در تمام راه‌هایتان، او را بشناسید و او شما را در مسیر درست هدایت خواهد کرد.

چگونه؟ از طریق متون مقدس، از طریق آموزه‌های او، و از طریق ارزش‌های نهفته در آن متون مقدس. این به هیچ وجه دعوتی به فردگرایی نیست. می‌توانید آن متون دیگر را نیز بخوانید.

نتیجه‌گیری. سوءاستفاده از متن اغلب مبتنی بر چیزی است که من آن را اخلاقی‌سازی، روحانی‌سازی یا تمثیلی‌سازی متون می‌نامم تا بتوانید آنها را در معرض دید خود قرار دهید و احساس کنید که رضایت خدا را به دست آورده‌اید. من کشیش بودم؛ من در سال ۱۹۶۷ به مقام کشیشی منصوب شدم؛ همانطور که قبلاً اشاره کردم، اکثر شما متولد... هستید.

و من بارها و بارها این را دیده‌ام و دیده‌ام. مردم خدایی از خودشان می‌سازند و ادعا می‌کنند که این خداست که چیزی به آنها می‌گوید. آنها متن را روحانی جلوه می‌دهند.

آنها کلمات کتاب مقدس را از متن اصلی خود خارج می‌کنند، چون اتفاقاً با خواسته‌های فعلی خودشان جور درمی‌آید. این درست نیست. این چیزی نیست که خدا می‌خواهد.

و ممکن است گاهی اوقات کار کند. ممکن است فکر کنید که کار می‌کند، اما اینطور نیست. من یک مثال جالب در کتابم دارم، باید به شما بگویم. همسر من در حال برنامه‌ریزی و راه‌اندازی یک سیستم کامپیوتری برای یک مرکز جراحی ارتوپدی، ببخشید، چشم‌پزشکی بود.

خب، همسر من دانست چطور با کامپیوتر کار کند، اما چیز زیادی در مورد کامپیوتر نمی‌دانست. او تا سر حد مرگ می‌ترسید. اما دکترها به او اعتماد داشتند.

کار می‌کرد، بررسی کرد. و او آقای پاک بود، تمام پاسخ‌ها Hewlett-Packard و IBM و او شخصی را که در آن داشت، نرم‌افزار و سخت‌افزاری داشت که دنیا از آن تعریف می‌کرد. سپس، همانطور که او تحقیق می‌کرد، شخص دیگری را پیدا کرد که یک بسته نرم‌افزاری مخصوص چشم‌پزشکی داشت.

بنابراین او را برای مصاحبه فراخواند. او اینجاست. انگار همین الان از یک چمدان بیرون خزیده است.

nerd، در آمریکا. nerd، بود NERD کت و شلوارش کاملاً چروکیده بود. او یک خرخون معمولی به معنای به کسی گفته می‌شود که باهوش است، و انگار همین الان از یک چمدان بیرون خزیده است.

او از او می‌ترسید، اما چیزی که او ارائه می‌داد دقیقاً همان چیزی بود که او می‌خواست. بنابراین به خانه رفت و کتاب مقدس خود را برداشت. آن را باز کرد و آیه‌ای که چشمش را گرفت می‌گوید، برای کمک به لبنان برو.

اتفاقاً آن مردی که تازه از چمدان بیرون آمد اهل لبنان، ایندیانا بود. وای، خیلی هیجان‌زده شد؟ به من زنگ زد.

من در دفترم در مدرسه علمیه بودم و او با من تماس گرفت و گفت، خب، دختر باهوش، نظرت در این مورد چیست؟ و داستان را برایم تعریف کن. و من دلم نیامد به او بگویم، وای بر کسانی که برای کمک به لبنان می‌روند، نه برای کمک به لبنان. او وقتی آن را باز کرد، همانقدر که داشت آن را اشتباه به کار می‌برد، برداشت اشتباهی هم از آن داشت.

بعضی وقت‌ها، فقط باید بی‌خیال همه چیز شوید، مخصوصاً وقتی که همسرتان باشد. خب، اوضاع عالی شد، و شاید خدا حس شوخ‌طبعی داشته باشد، اما این روشی نیست که خدا به ما یاد می‌دهد زندگی‌مان را هدایت کنیم. تعریف حکمت در کتاب مقدس.

می‌دانید، ببخشید، باید اینجا توقف کنم و شروع کنم چون این کار کمی بیشتر از زمانی که می‌توانم برای یک ارائه یا باید برای یک ارائه صرف کنم، طول می‌کشد. من همین الان هم از محدودیت ساعتی‌ام گذشته‌ام. و. خب، مورد پنجم، تعریف حکمت در کتاب مقدس است.

ما برمی‌گردیم و این بخش دوم از ارائه عهد عتیق در مورد شناخت اراده خدا خواهد بود. پس منتظر باشید، و بعداً خواهید دانست که کجا باید بیایید. وقتی برگشتیم، شما را به آنجا راهنمایی خواهیم کرد.

و جلسه بعدی را به این بخش خاص اختصاص خواهیم داد.